روزنامه شرق

دوشنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۷ • ۲۶ صفر ۱۴۴۰ • ۵ نوامبر ۲۰۱۸

سال شانزدهم • شماره ۳۲۸۵ • ۱۶صفحه • ۲۰۰۰ تومان

فرمانده سپاه خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا:

ما را از تهدید نظامی نترسانید

گروه سیاست: مراسم راهپیمایی ۱۳ آبان، روز گذشته در سراسر کشور برگزار شد. این مراسم، در تهران نیز در ساعت ۹:۳۰ صبح در مقابل ساختمان سابق سفارت آمریکا با حضور مردم، دانش‌آموزان، جمعی از مسئولان کشوری و لشکری برگزار شد. جمعی از مسئولان سپاه پاسداران، نمایندگان مجلس، برخی اعضای هیئت دولت...

صفحه ۶

مجلس تکلیف را مشخص کرد

افشانی می‌رود

گروه جامعه: تیر آخر هم به مانع خورد و تلاش‌ها و رایزنی‌ها برای ماندن افشانی بالاخره بی‌نتیجه ماند. روز گذشته طرح استفساریه مستثناشدن شهردار تهران از قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان از سوی اعضای کمیسیون رد شد. این خبر را سخنگوی کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس شورای اسلامی در تشریح نشست این کمیسیون اعلام کرد...

صفحه ۱۳

شورای نگهبان مخالفت خود را در روز ۱۳ آبان اعلام کرد

دور برگردان CFT

رد لایحه CFT همزمان با آغاز تحریم‌ها / صفحه ۴

گروه سیاست: درست روز ۱۳ آبان، ۳۹ سال بعد از اشغال سفارت آمریکا از سوی دانشجویان، اعلام شد لایحه CFT از سوی شورای نگهبان رد شده است. درست همان روزی که دور دوم تحریم‌های جدید ترامپ علیه ایران هم کلید خورد. نظر مثبت یا منفی شورای نگهبان درباره لایحه الحاق به CFT به‌اندازه کافی مهم بود و نیازی به تقارن با ۱۳ آبان نداشت تا در میان خبرهای مهم روز جا باز کند.از چند روز پیش که مهلت قانونی شورای نگهبان برای اظهار نظر درباره مصوبه مجلس به پایان رسیده بود، بسیاری بر این نکته دست می‌گذاشتند که طبق اصل ۹۴ قانون اساسی مصوبه مجلس دیگر نیازی به موافقت شورای نگهبان ندارد و «قابل اجرا» است. با این وجود عباسعلی کدخدایی دیروز همه را غافلگیر کرد...

ادامه درصفحه ۳

صفحه ۲

روایت توییتری حسام‌الدین آشنا از قتل‌های زنجیره‌ای

باید سؤالات سخت را از آقای نیازی پرسید

عکس: عباس کوثری، شرق

صفحه ۲

تیترها

واکنش فلاحت‌پیشه به تشکیل «یگان حفاظت آستان قدس»

صفحه ۳

خروج ۱۵ میلیارد دلار از کشور برای غیرضرورها

صفحه ۴

«شرق» اصلاح اساسنامه تأمین‌اجتماعی را بررسی می‌کند

چالش صندوق تأمین

صفحه ۵

کانون وکلا برای دفاع از حقوق عمومی تلاش کند

آیت‌الله محقق‌داماد

صفحه ۲

خلاف آمد تئاتر تجاری و پولکی کار کرده‌ایم

گفت‌وگو با قطب‌الدین صادقی

صفحه ۱۰

به‌قدر کافی از نئولیبرالیسم ضربه خوردیم

گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با اینگو شولتسه

صفحه ۸

حرف اول

مواجهه با تحریم‌ها بعد از ۱۳ آبان

فریدون مجلسی . تحلیلگر روابط بین‌الملل

پرسش این است که با تحریم‌هایی که ترامپ با تبلیغات بسیار تشدید آن را از ۱۳ آبان نوید داده است، چگونه می‌توان رویارو شد؟ لابد این پرسشی است که در محافل مختلف نظامی، اطلاعاتی، مخابراتی، تجاری، صنعتی، بهداشتی و بانکی از مدت‌ها پیش مطرح بوده است. بررسی تاریخی اتفاقات می‌تواند مسئله را بیشتر تبیین کند. در ابتدا ماجراهای منطقه‌ای باعث تشدید خصومت‌ها شد. انور سادات پس از سه جنگ شکست‌خورده مصر و اسرائیل و به دنبال یک پیروزی نسبی یعنی بازپس‌گیری صحرای سینا، به صلح کمپ دیوید تن داد و با اسرائیل روابط رسمی برقرار کرد. در همان زمانِ سفر یاسر عرفات به تهران، کمپ دوید موجب افزایش خشم مسئولان وقت ایران شد چراکه آمریکا حامی کمپ دیوید و ضامن بقای اسرائیل بود. سفر شاه بیمار به آمریکا و دیدار نخست‌وزیر بازرگان و وزیر خارجه، دکتر یزدی، با برژینسکی در الجزیره، ماجرای سفارت آمریکا را که منجر به سقوط دولت موقت و ماندگارشدن «دانشجویان خط امام» در سفارت شد، در پی داشت و برخی موارد دیگر فضایی ایجاد کرد که هنوز هم ادامه دارد. فضایی که جنگ عراق علیه ایران، مسائل تحریمی بعد از جنگ و... نشانه‌های آن است. اگرچه دولت روحانی با امضای برجام موفق به گسستی در تحریم شد و قراردادهای بزرگ بویینگ، توتال و ایرباس منعقد شد، اما اختلافاتی هم میان بخش‌هایی از کشور وجود داشت. هم‌زمانی این برداشت با روی کار آمدن ترامپ، به برخورد او رنگ تهدید عریان داد و شعار تغییر نظام را به یک استراتژی منطقه‌ای موردحمایت اسرائیل، عربستان، مصر و چندین کشور عربی دیگر بدل کرد. اکنون آن تقابل با تشدید تحریم‌ها به مراحل تازه‌ای وارد شده است. ترامپ انتظار دارد عظمت آمریکا را با تحمیل دستوراتش به متحدان، کشورهای اروپایی و غیراروپایی به رخ بکشد. آنها از این تحمیل که استقلالشان را مخدوش می‌کند، می‌سوزند و می‌سازند؛ زیرا منافعشان اقتضا نمی‌کند مقاومت جدی نشان دهند. از طرف دیگر خودشان هم حامی اسرائیل هستند. راه‌حل کلاسیک می‌تواند تلاش برای برخورد دیپلماتیک منطقی و مذاکره و رفع سوءتفاهم و بده‌بستانی برای جلوگیری از تنش حاد باشد.

ادامه در صفحه ۴

یادداشت

تحریم‌های لرزان نفتی

علیرضا سلطانی
کارشناس اقتصاد سیاسی

دولت آمریکا برخلاف سیاست‌های اعلامی شش ماه پیش دونالد ترامپ، در آستانه اجرائی‌شدن تحریم نفتی ایران، مجبور به معاف‌کردن بسیاری از کشورها از شمول تحریم نفت ایران شد. این اقدام که قابل پیش‌بینی بود، نشان‌دهنده محدودیت قدرت مانور دولت آمریکا در اعمال تحریم‌های اقتصادی به‌ویژه تحریم‌های نفتی مطابق سیاست‌های اعلامی ترامپ است. چنان‌که در یادداشت مورخ ۲۸ مهر با عنوان «تحریم‌ها با نفت ایران چه می‌کند» - که در همین صفحه منتشر شد- بیان شد، ترامپ و تیم ضد ایرانی او از همان ابتدا می‌دانستند که ایده «به‌صفررساندن صادرات نفت ایران» شدنی نیست، اما ترامپ با هدف بهره‌برداری روانی از این شعار برای تشدید التهابات اقتصادی در ایران به طرح و پردازش آن در فضای رسانه‌ای پرداخت. علاوه بر این فعال‌شدن برخی عوامل و متغیرها مانند همراهی‌نکردن اتحادیه اروپا با سیاست‌ها و اقدامات ایالات متحده در قبال برجام و تلاش ایران و اروپا برای یافتن راهی جهت خنثی‌کردن تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، همراهی‌نکردن اوپک با سیاست تحریمی از طریق جایگزینی نفت ایران، ناتوانی عربستان سعودی و متحدان نفتی عرب آن برای جبران کاهش نفت ایران و تشدید همراهی‌نکردن عربستان در مسئله قتل خاشقجی و بروز اختلاف در روابط ریاض و واشنگتن و در نهایت درپیش‌بودن انتخابات کنگره آمریکا و احتمال شکست حزب جمهوری‌خواه مورد حمایت ترامپ در پی افزایش قیمت بنزین در آمریکا با افزایش قیمت جهانی نفت، سیاست دولت ترامپ برای اعمال پرقدرت تحریم نفتی ایران در ۱۳ آبان را بیش از پیش از برنامه‌ریزی اولیه طراحان آن دور کرد. واقعیت آن است که تحریم نفتی آمریکا در ابتدای اعمال، در شرایط ضعیف‌تر از آنچه پیش‌بینی می‌شد، اجرائی می‌شود و این نمی‌تواند مطلوب ترامپ و تیم ضد ایرانی او باشد. ترامپ از ابتدای خروج از برجام حداقل به بازگشت شرایط تحریم نفتی ایران به دوران قبل از برجام فکر می‌کرد و می‌کوشید در نبود قطع‌نامه شورای امنیت و حمایت متحدان اروپایی خود با استفاده از ابزارهای سیاسی، روانی و رسانه‌ای، به این هدف خود جامه عمل بپوشاند، اما مجموعه عواملی که ذکر شد، ساختار تحریم نفتی مورد نظر او را ضعیف، ناقص و ناکارآمد کرده است. این مسئله می‌تواند در صورت تداوم سیاست تحریمی آمریکا در آینده بیش از این ساختار تحریم‌ها را با بروز عوامل و شرایط جدید دچار چالش کند. از جمله این عوامل، پیروزی دموکرات‌ها در انتخابات کنگره (مجلس نمایندگان و میان‌دوره‌ای سنا) است که در این صورت، رئیس‌جمهور ایالات متحده را با دردسرهایی در فضای سیاسی آمریکا برای ادامه سیاست تحریمی ایران مواجه می‌کند. اجرای سیاست‌های ضد تحریمی اروپا از جمله سازوکار مالی موسوم به SPV که در آینده نزدیک رونمایی و اجرا می‌شود، به‌همراه سایر سازوکارهای موقت و دائمی دیگر، چالش دیگری بر سر موفقیت تحریم‌های آمریکا علیه ایران است. ماهیت و روند مناسبات آمریکا با کشورهایی مانند چین (اختلاف‌های تجاری و اقتصادی)، روسیه (اختلاف‌های سیاسی و نظامی و تحریم‌ها) و حتی عربستان سعودی (اختلاف‌ها در سیاست‌های نفتی) نیز این سیاست‌ها را به‌طور طبیعی تحت تأثیر قرار می‌دهد. البته در کنار این عوامل چالش‌ساز، برخی عوامل مقوم تحریم‌های نفتی از جمله امکان بهره‌برداری برخی کشورهای نفتی مانند عربستان و روسیه از سهم بازار نفت ایران، احتمال خروج ایران از برجام و امکان توافق ترامپ با قدرت‌های اقتصادی مانند چین و روسیه نیز وجود دارد، اما وزن این متغیرها در مقابل متغیرهای تضعیف‌کننده پایین است. این شرایط، به‌طور طبیعی برای ایران در حوزه صادرات نفت فرصت‌ساز است. ایران در شرایط حاضر می‌تواند ضمن بهره‌برداری از موضوع معافیت‌های صادرشده از سوی واشنگتن برای کشورهایی که از ایران نفت وارد می‌کنند، با اتخاذ سازوکارهای مناسب، زمینه تداوم شرایط معافیت و همچنین افزایش صادرات را دنبال کند. همچنین در اوپک سیاست ادامه و تشدید همکاری و تقویت منافع مشترک حتی با کشورهایی مانند عربستان سعودی را دنبال کند و به حفظ انسجام اوپک کمک کند. در کنار این بکوشد ظرفیت صادرات نفت به اروپا را با توسل به شیوه‌های مختلف و با توجه به سازوکارهای تسهیل همکاری‌های اقتصادی و تجاری با اروپا در شرایط تحریمی افزایش دهد. همکاری با کشورهایی مانند روسیه نیز در این راستا می‌تواند مورد توجه باشد. به این موارد می‌توان تجربه دورزدن تحریم‌ها در مرحله قبلی تحریم‌ها را نیز اضافه کرد. مجموع این عوامل، حداقل در میان‌مدت نمی‌تواند به ساختار صادرات نفت ایران آسیبی جدی وارد کرده و اهداف ایالات متحده را محقق کند.

یادداشت

چگونه ترامپ را از کاخ سفید بیرون کنیم

حسین آخانی
استاد دانشگاه تهران

واقعیت تلخ، تکرار دوران سخت دیگری در تاریخ ایران است. اعمال شدید تحریم‌ها از سوی رئیس‌جمهور بی‌منطق آمریکا حتما همه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. من سیاسی نیستم و راستش نمی‌دانم چه می‌شود و آینده ایران چه خواهد شد؛ ولی می‌دانم مأیوس‌شدن مردم اصلا خوب نیست. اما به عنوان یک محیط‌زیستی و دانشگاهی فکر می‌کنم که تنها راه مبارزه با تحریم‌ها اصلاح الگوی رفتاری و مصرف ماست. درحال‌حاضر به دلیل گرایش شدید زندگی تجملی (لاکچری) و وابستگی بیش از حد به واردات در کشور و بی‌توجهی به علم و آموزش (با وجود بالارفتن آمار فارغ‌التحصیلان)، کشور ما در شرایط خوبی به‌سر نمی‌برد. به همین دلیل با هر تغییر سیاسی و حتی تهدید زبانی، ارزش پول ملی به‌شدت کاهش پیدا می‌کند و فاصله طبقات غنی و فقیر زیادتر می‌شود. به نظر من لازم است که دولت و مردم حداقل تا پایان دوران ریاست‌جمهوری ترامپ کارهای مهمی انجام دهند که کشور آسیب شدید نبیند و از طرفی از این تهدید فرصتی برای اصلاح ساختاری در کشور و به‌ویژه محیط زیست فراهم شود.

۱- اجرای پروژه‌های بزرگ متوقف شود. سال‌هاست که متخصصان محیط زیست به آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی اجرای پروژه‌های بزرگ اشاره کرده‌اند، ولی متأسفانه به دلیل آنکه این پروژه‌ها دارای حمایت‌های خصولتی و لابی‌های قدرتمند هستند، نتوانسته‌اند آنها را متوقف کنند.

۲- با حمایت از پروژه‌های کوچک بخش بزرگ‌تری از جامعه بتوانند از فرصت‌های شغلی ایجادشده بهره‌مند شوند.

۳- دو شرکت بزرگ خودروسازی باید از ادامه سیاست تولید محصولات خودروی شخصی جلوگیری و با کمک شرکت‌های اروپایی و چینی تمرکز خود را بر ساخت اتوبوس و مینی‌بوس بگذارند تا با تأمین وسایل نقلیه عمومی مکفی در سراسر کشور، وابستگی ما را به خودروهای شخصی به حداقل برسانند. این باعث صرفه‌جویی بسیار کلان هم در سوخت، هم سبد خانوار و هم کاهش نیاز به ارز برای واردات قطعات و لوازم یدکی می‌شود.

۴- شهرداری‌ها فقط برای پروژه‌هایی مانند مترو، حمل‌ونقل عمومی و خطوط دوچرخه بودجه دهند. با کاهش وابستگی ما به وسایل نقلیه موتوری هم ارز کمتری از کشور خارج و هم با کاهش آلودگی و تصادفات، صرفه‌جویی‌هایی کلان در هزینه‌های بهداشت و درمان می‌شود.

۵- تفکیک زباله در مبدأ در همه شهرها اجباری شود تا ضمن اشتغال‌زایی برای طبقات محروم از هرگونه دورریز مواد قابل بازیافت جلوگیری شود.

۶- همه دانشگاه‌های بی‌کیفیتی که در این سال‌ها ساخته شده‌اند و بدون آنکه سهمی در افزایش کیفیت علم داشته باشند فقط هزینه‌های بی‌مورد بر دوش دولت و خانواده‌ها گذاشته‌اند، به مؤسسات آموزشی حرفه و کار تبدیل شوند. کشور ما درحال‌حاضر ده‌ها برابر نیاز خود دکتر و مهندس دارد. آنچه ما به آن نیاز داریم، افرادی کاردان، کارکن و توانمند است. به جای آن، بودجه فقیر آموزش عالی صرف حمایت از دانشگاه‌های باسابقه و توانمند و دارای ساختار مناسب دانشگاهی شود.

۷- قانون منع استفاده از پلاستیک یا محدودیت استفاده از آن و اخذ عوارض تصویب شود تا ضمن صرفه‌جویی کلان بتوان فرصتی برای پاک‌سازی ایران و جذب توریست فراهم کرد.

۸- حمایت از گردشگری با تأکید بر توریست‌های خارجی برای جذب بی‌واسطه ارز در دستور کار قرار گیرد و با کاهش سخت‌گیری، از پتانسیل نامحدود این فرصت برای کشور بهره‌برداری شود.

۹- برای کاهش هزینه تولید مواد غذایی دستورالعمل‌های کارا و سختی درباره بسته‌بندی به کار گرفته شود تا ضمن صرفه‌جویی در کاهش حجم و کمیت بسته‌بندی‌ها به محیط زیست کمک شود. بطری‌های نوشابه، آب‌معدنی و بسته‌بندی‌های دبه‌ای و شیشه‌ای مشمول گرویی شود تا با بازگشت آنها بتوان از ورود به طبیعت جلوگیری کرد و با بازیافت آنها وابستگی به تولید بیشتر آنها را به حداقل رساند.

۱۰- با ایجاد محیط‌های مفرح و شاد، تشویق سفرهای دسته‌جمعی، حضور در میادین ورزشی با تأکید بر خانواده، پیاده‌روی و مسابقات ماراتن دسته‌جمعی و دوچرخه‌سواری، بار روانی گرانی‌ها و فشار آن کاهش داده شود تا ضمن نشان‌دادن قدرت و قوت مردم، فضای رسانه‌ای جهان را به سمت ایرانی صلح‌دوست، آزاد و مهربان تغییر دهیم. در نتیجه با توجه به اجماع جهانی علیه ترامپ و قاتلان سعودی در رسوایی کشتن قاشقجی، می‌توانیم کاری کنیم که هم در انتخابات پیش‌روی کنگره و هم انتخابات بعدی ریاست‌جمهوری آمریکا، منطق ما باعث شود تندروها، جنگ‌طلبان و تجار اسلحه نتوانند با ایران‌هراسی برای خود رأی جمع کنند. اخلاق ما سلاح قدرتمندی است که جنگ‌طلبان، تندروها و نژادپرستان را برای همیشه در گورستان تاریخ دفن خواهد کرد.

سرمقاله

پارادوکس تحریم‌ها

غلامرضا نظربلند . اقتصاددان

روزهای حساسی را پشت سر می‌گذرانیم. همان‌طور که انتظار می‌رفت، اخبار ایران در صدر قرار گرفته و در رسانه‌های بین‌المللی بیشترین بازتاب را یافته است. در نظر داشتم به سه موضوع بازگشت تحریم‌ها، آخرین وضعیت کانال ویژه مالی (گذرگاه مالی) اروپایی‌ها و تحرکات مشکوک در چند کشور اروپایی و کشیده‌شدن پای ایران در میان این وانفسای زمان بپردازم که یادداشت تلگرامی دکتر عبده‌تبریزی مبنی بر معافیت دوتابعیتی‌های آمریکایی- ایرانی از تحریم‌های خزانه‌داری آمریکا با محتمل‌دانستن اینکه به قصد لطمه‌زدن به اقتصاد ایران باشد، نگارنده را به پرداختن به موضوع تحریم واداشت. مستند معافیت اشاره‌شده در این یادداشت دستورالعملی است که دفتر کنترل دارایی‌های خارجی خزانه‌داری آمریکا موسوم به اوفک (OFAC) در تاریخ دوم نوامبر ۲۰۱۸ صادر کرده و در آن به شهروندان آمریکایی (با منشأ ایرانی یا به عبارتی شهروندان آمریکایی-ایرانی) اجازه داده تا بتوانند دارایی‌های شخصی خود در ایران را به فروش برسانند و عواید آن را به آمریکا منتقل کنند. این نوشتار بر آن است تا به مقوله تحریم بپردازد و در حد مسیر اظهارات مقامات آمریکایی را که ادعا می‌کنند: «اقدامات واشنگتن نه مردم ایران؛ بلکه رژیم ایران را هدف گرفته است»، راستی‌آزمایی کند. به طور کلی آمریکا در سال‌ها و دهه‌های اخیر در برخورد با کشورهایی که آنها را متخاصم می‌داند، راهبردی موسوم به «قدرت اجبار» به کار می‌گیرد. تحریم و در درجات بعدی «حمایت از مخالفان سیاسی» و «عملیات سایبری تهاجمی»، مهم‌ترین ابزار قدرت اجبار هستند. مضافا، استفاده از این محصول فکری اندیشکده‌هایی مانند راند، نه مانند عملیات نظامی هزینه‌های سنگین در بر دارد و نه مانند روش‌های دیپلماتیک فاقد تأثیر لازم است. از تحریم در «سند راهبرد ملی آمریکا» نیز به‌عنوان ابزاری اقتصادی یاد شده که می‌تواند «جزء مهمی از استراتژی‌های بازدارندگی، اعمال فشار و محدود ساختن دشمنان» باشد. دراین‌باره سند حفظ امنیت منافع آمریکا با بیان مطالبی که در زیر بخشی از آن نقل می‌شود، تصویر روشن‌تری ارائه می‌کند:

«پایه امنیت ملی اقتصادی آمریکا، یکپارچگی نظام مالی جهانی است. بی‌بدیل‌بودن دلار به‌عنوان ارز مبادلاتی جهانی، منشأ قدرت مالی بی‌رقیب آمریکا است. آمریکا باید از تحریم‌های اقتصادی پیچیده و پیشرفته در مقابله با چالش‌های دشوار مبتلابه در عرصه بین‌المللی که مصادیق آن ایران، روسیه، چین و کره‌شمالی است، استفاده کند».

هم‌اینک از میان تحریم‌های اقتصادی، تحریم‌های مالی کاربرد به‌مراتب بیشتری پیدا کرده و ازاین‌رو اصطلاح «اسلحه مالی» چند سالی است که تداول یافته است. این پیچیده‌ترین نوع تحریم، ماهیتی بدخیم دارد؛ به طوری که می‌توان نام «تحریم‌های ویروسی» به آن داد. به این معنا که چنانچه فرضا بانک مرکزی به بانک صادرات که مشمول تحریم است، خدمات بدهد، خود نیز تحریم می‌شود و در گام بعدی هر شخص یا بنگاهی که با بانک مرکزی همکاری کند، در فهرست تحریم قرار می‌گیرد و در گام‌های بعدی به‌همین‌ترتیب فهرست تحریم گسترش می‌یابد. این همان چیزی است که شش سال پیش قانون ایفکا (Iran Freedom and Counter-Proliferation Act of 2012) زیرساخت حقوقی آن را به وجود آورد. با بیان مقدمات و مستندات پیش‌گفته عجالتا می‌توان گزاره‌هایی را استنتاج کرد که در زیر فهرست‌وار ذکر می‌شوند:

۱. تحریم راهکار نرم خصمانه‌ای است که قدرت برتر اقتصادی جهان آن را ابزار ساخته و براساس منویات سیاسی خود به جان اقتصاد جهانی انداخته است.

۲. آمریکا که داعیه پرچم‌داری جهان آزاد و اقتصاد بازار را دارد، خود با اعمال تحریم‌های اقتصادی و به‌ویژه مالی، بیش از هر قدرت و کشور دیگری هنجارها، آموزه‌ها و قوانین آزادی اقتصادی را نادیده می‌گیرد و آنها را دور می‌زند.

۳. برخلاف تأکید فراوان مقامات آمریکایی ازجمله رئیس‌جمهور و وزیر خارجه این کشور، مبنی بر اینکه «اقدامات واشنگتن نه مردم ایران؛ بلکه رژیم را هدف گرفته»، تحریم‌ها مستقیما متوجه مردم عادی، به‌ویژه شهروندان دهک‌های پایین است. پرسش‌های بی‌جواب برای رد ادعای مقامات یادشده بسیار است. ازجمله آنکه مگر می‌شود شما کمر به قطع کامل صادرات نفت ایران ببندید و هشتادوچند میلیون جمعیت را از درآمد آن محروم کنید، باز هم بگویید مردم را هدف نگرفته‌اید؟

ادامه در صفحه ۴